

بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله

شهر سنندج

منصور فتحی*، نسرين مروتی**، نادر مروتی***

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۷

چکیده

با توجه به شرایط در حال گذار جامعه و دگرگونی سریع ارزش‌ها و هنجارها، آگاهی از ابعاد مختلف دینداری جوانان و تأثیر عوامل مختلف بر آن و همچنین مقایسه آن با وضعیت دینداری والدین به منظور درک تفاوت‌های ارزشی در دو نسل، از اهمیت بسزایی برخوردار است. دینداری (سلامت معنوی) با سلامت روان و اجتماعی افراد رابطه مستقیم دارد و ارتقای بهزیستی و سطح سلامت افراد یکی از اهداف مددکاری اجتماعی است. در پژوهش حاضر از نظریه‌های یادگیری اجتماعی و نقش اجتماعی برای تبیین تفاوت جنسیتی، از نظریه‌های وبر و مارکس برای تفاوت میزان دینداری در

* استادیار مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول). fathi.mansour@gmail.com
** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. morvati.nasrin@gmail.com
*** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. morovati.nader@gmail.com

بین طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی و از نظریه اینگلهارت برای تبیین شکاف نسلی به عنوان چارچوب نظری بهره گرفته شده است.

روش پژوهش، پیمایشی و جامعه آماری آن، جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر سنندج و والدین آنها است. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه خودساخته و سنجش دینداری کلاک و استارک استفاده شده است. اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون‌های t و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، میزان دینداری والدین و سن، با میزان دینداری جوانان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین مردان و زنان از نظر میزان دینداری تفاوت معناداری وجود دارد اما بین تحصیلات و میزان دینداری جوانان رابطه معناداری به دست نیامد.

واژه‌های کلیدی: دینداری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، جوانان، شکاف

نسلی و تحصیلات.

بیان مسئله

خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، نقشی تعیین‌کننده در جامعه‌پذیری افراد و انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی به نسل‌های آتی دارد. مطالعات متعدد نشان داده است که والدین تأثیر پایدار بر باورها و تعهدات مذهبی فرزندان‌شان دارند (Smith: 2005). اگر در فرایند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل افزایش می‌یابد و بحران هویتی برای نسل جدید روی نمی‌دهد. در مقابل اگر فرایند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به

نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد.

اهمیت نقش جامعه‌پذیری دینی خانواده به تعامل دین به‌عنوان یک‌خرده نظام فرهنگی با دیگر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برمی‌گردد. دین به‌مثابه نظامی اعتقادی و الگوی رفتاری، در سراسر تاریخ یکی از مؤثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است. نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه دین در ایران حاکی از این است که؛ دین در جامعه ایران حضور و نقش فعال و پررنگی دارد و ارزش‌های دینی یکی از عناصر کلیدی در نظام فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند و شناخت آن نقش بسیار مهمی در شناخت نظام فرهنگی دارد. در صورت تطابق و سازگاری و همزیستی بین ارزش‌های دینی و ارزش‌های اجتماعی، زمینه همگرایی و همنوایی به وجود می‌آید و فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به نحو مطلوب انجام می‌گیرد. در صورت عدم تطابق بین این دو، میزان آسیب‌ها، جرائم و مسائل اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و به‌طرف واگرایی می‌رود. بنابراین تضعیف کارکرد دین در یک جامعه خطری بزرگ محسوب می‌شود.

اگرچه در دنیای مدرن، نقش تربیت دینی خانواده به دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی نوظهور محول شده است، اما تأثیر تربیت دینی والدین غیرقابل‌اغماض است. تغییرات اجتماعی معاصر و فرایند نوسازی، جامعه ما را همانند سایر جوامع سستی که در مرحله گذار به شرایط نوین به سر می‌برند دستخوش تغییر و تحول همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کرده (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۶۶) و بر ساختار و کارکرد خانواده و درنهایت چگونگی فرایندهای تربیتی، تأثیرات گسترده‌ای بر جای گذاشته است. این تغییرات ممکن است موجب بروز مسئله شکاف نسلی در ایران شده باشد. این مسئله به‌نوبه خود می‌تواند روی اعتقادات و باورهای مذهبی تأثیر داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که با وجود وضعیت نسبتاً مطلوب دینداری در ایران، مقایسه روند دینداری در میان اقشار مختلف جامعه حاکی از تفاوت التزام دینی

گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی است. بدین ترتیب برخلاف زنان و شهروندان بزرگسال، جوانان دینداری کمتری از خود بروز داده‌اند (قصابی و طاهری، ۱۳۹۰).

بررسی‌های متعدد حاکی از رابطه مستقیم میزان دینداری (سلامت معنوی) افراد با سلامت روان و اجتماعی آن‌ها است. ارتقای بهزیستی و سطح سلامت افراد یکی از اهداف اصلی مددکاری اجتماعی است که از دو طریق امکان‌پذیر است که یکی از آن‌ها توسعه شیوه‌های سالم زندگی و اقدام اجتماعی برای سلامت است و دیگری ایجاد شرایطی است که زیستن در یک حیات سالم را امکان‌پذیر سازد. موضوع اول دربرگیرنده توانمندسازی انسان‌ها از طریق آگاهی‌ها و مهارت‌های ضروری برای یک زندگی سالم است و موضوع دوم تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران به گونه‌ای است که سیاست‌های عمومی و برنامه‌های حامی سلامت عملی گردد. با توجه به شرایط خاص جامعه (در حال گذار بودن جامعه)، دگرگونی سریع ارزش‌ها و هنجارها و نقش و نفوذ دین در سطوح مختلف جامعه، آگاهی از ابعاد مختلف دینداری جوانان و تأثیر عوامل مختلف بر آن و همچنین مقایسه آن با وضعیت دینداری والدین به‌منظور درک تفاوت‌های ارزشی در دو نسل دارای اهمیت بسزایی است. می‌توان از نتایج آن به‌عنوان پایه‌ای برای بررسی‌های بیشتر و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مربوط به جوانان استفاده نمود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چه عواملی بر میزان دینداری جوانان شهر سنندج تأثیرگذار است؟

اهداف تحقیق

- ۱- آگاهی از میزان دینداری جوانان شهر سنندج و مقایسه آن با وضعیت دینداری والدین به‌منظور درک تفاوت‌های ارزشی دو نسل
- ۲- شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر میزان دینداری جوانان به‌منظور ارائه راهکارهای کاربردی به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی در راستای تقویت ارزش‌های فرهنگی

پیشینه مطالعه

چارلز گلاک طی دهه ۶۰-۵۰ قرن بیستم میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بود. وی با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۵۶ به شرح و بسط الگوی جدیدی از دین‌داران پرداخت. هدف اصلی آن‌ها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که با وجود آن که ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه‌گر می‌شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۷).

گیسون در پژوهشی که در سال ۱۹۹۰ بر روی ۲۷۱۷ نفر از نوجوانان ۱۵ ساله انجام داد، به این نتیجه رسید که بین فعالیت‌های مذهبی والدین و نگرش مذهبی فرزندان رابطه وجود دارد (Hallahmi & Argyle, 1997: 99).

یافته‌های پژوهشی وان نینگ باو^۱ و دیگران (۱۹۹۹) نشان داد که هم پدران و هم مادران نقش چشمگیری در انتقال عقاید و اعمال مذهبی به پسران و دختران ایفا می‌کنند و نفوذ مادر بر فرزندان (به‌ویژه بر روی پسران) قوی‌تر از نفوذ پدران بوده است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۳).

بررسی آبروزس (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که جوانان در مقایسه با نسل پیشین، به ارزش‌های سکولار تمایل داشته و در حوزه مسائل عقیدتی و اخلاقیات، فردگرا هستند. همچنین در حوزه دین با مذهب نهادینه شده تعارض دارند (Abbruzzese, 1995).

تام اسمیت (۲۰۰۴) معتقد است که جوانان امروزه علاقه کم‌تری به اموری مانند رفتن به کلیسا و یا تعلق داشتن به مذهب یا عقیده خاصی دارند. به‌طورکلی، جوانان در مقایسه با بزرگ‌ترها نسبت به جامعه و بالأخص نسبت به مردم بدبین‌تر هستند (Smith, 2004).

پایگاه اجتماعی، یکی از عوامل اجتماعی مهم است که می‌تواند در جهت‌گیری دین افراد مؤثر باشد. پابلو بران^۱ (۲۰۰۴) در تبیین دینداری از تفاوت‌های جنسیتی مبتنی بر موقعیت اقتصادی جامعه استفاده می‌کند. به اعتقاد وی مردان در مقایسه با زنان وقت کمتری برای فعالیت‌های مذهبی و مناسک آن سپری می‌کنند. این بدان دلیل است که آن‌ها نسبت به زنان فرصت کمتری برای انجام فرایض دینی در اختیار دارند. بنابراین مردان در برخی از ابعاد دینداری و به‌ویژه دینداری مناسکی، حضور کم‌رنگ‌تری در برگزاری و حفظ الگوهای دینی دارند (Bran, 2004:21).

نتایج پژوهش لیستون پوپ^۲ در خصوص رابطه بین طبقه اجتماعی و علائق دینی نشان داد که انگیزه مسلط قشربندی در هر اجتماع آمریکایی با نهادها و اعمال مذهبی ارتباط تنگاتنگی دارد. سازمان مذهبی در میان ثروتمندان و فقرا نفوذ کمتری دارد و کلیساها اساساً با طبقه متوسط مرتبط هستند. درصد اعضای طبقات پایین که متعلق به فرق مختلف مذهبی بوده‌اند متفاوت بوده و همچنین درصد کسانی که مدرک تحصیلی دانشگاهی دارند در بین مذاهب گوناگون متفاوت است (تأمین، ۱۳۷۷: ۱۱۹ - ۱۲۰).

هالامی و آرگیل در بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر نگرش‌های دینی استدلال می‌کنند که تأثیر تفاوت طبقاتی در مذهب به صورت کیفی و کمی است. آنان با توجه خاص به تأثیر خانواده بر روی اعضا، بیان می‌کنند که دیگران مهم، به‌ویژه والدین بر شناخت و چگونگی شکل‌گیری هویت اعضای خانواده تأثیر می‌گذارند. به اعتقاد آن‌ها فرزندان پیش از این که مجموعه خاصی از اعتقادات را کسب کنند، از دین، طبقه و قومیت آگاه می‌شوند. آنان بر رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت مذهبی تأکید می‌کنند (Hallahmi & Argyle, 1997: 755-6).

از جمله پژوهش‌هایی که در داخل کشور در مورد گرایش مردم به دین صورت گرفته، سلسله تحقیقاتی است که توسط رفیع پور به‌منظور سنجش دگرگونی ارزش‌ها

1. Pablo Bran
2. Liston. pop

بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ... ۱۴۷

پس از انقلاب اسلامی انجام شده است. در این بررسی برای سنجش تغییر ارزش‌های مذهبی سؤالاتی در مورد تصور پاسخگویان از نظر مردم نسبت به اعتقادات دینی، علاقه به روحانیت، عدم رعایت حجاب و عیب دانستن یا ندانستن آن، احترام به بانوان باحجاب و ... در سال‌های ۵۶، ۶۵ و ۷۱ طراحی شده است. نتایج پژوهش نشان داد که به تدریج از گرایش‌ها و تمایلات مذهبی مردم کاسته شده است (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱۵۹).

نتایج پژوهش آزاد ارمکی و دیگران (۱۳۸۷) در شهر تهران حاکی از رشد تمایلات فردگرایانه در میان جوان‌ترها است، همچنین گروه‌های سنی جوان‌تر نسبت به مسن‌ترها به لحاظ عملی کمتر مقید به انجام مناسک مذهبی خود هستند؛ درحالی‌که به لحاظ نظری به اهمیت دین و باورهای دینی معتقد می‌باشند.

معید فر (۱۳۸۳) با بررسی داده‌های دو طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها که در سال‌های ۷۹ و ۸۲ انجام شده به این نتیجه رسید که بین دو نسل در سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی تفاوت زیادی وجود دارد.

یافته‌های میرسندهی (۱۳۸۳) که سه بعد مناسکی، اعتقادی و تجربی دینداری دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده است نشان می‌دهد که میزان دینداری دانشجویان در ابعاد اعتقادی و تجربی بالا و پابندی آن‌ها به اعمال فردی دینی در حد متوسط به بالا است.

یافته‌های پژوهش گنجی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان داد که ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، شناختی و مناسکی به ترتیب دارای بیشترین درصد میزان دینداری در بین دانشجویان بود. زنان، مجردان و دانشجویان مقطع کارشناسی به ترتیب، دیندارتر از مردان، متأهلان و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد بودند.

ربانی و صفایی نژاد (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی، نشان داده‌اند که در ارتباط با متغیر دینداری

بین نسل جوان و بزرگ‌ترها در شالوده‌های اساسی دین (نظیر توحید، نبوت و معاد) و بعد عاطفی دینداری (احساس نزدیکی به خدا) تفاوتی به چشم نمی‌خورد، اما در ابعاد پیامدی، مناسکی و دانش دینی تفاوت به‌گونه‌ای است که میزان دینداری بزرگ‌ترها در ابعاد پیامدی و مناسکی که بیشتر مبین جنبه‌های عملی دینداری است بیشتر از نسل جوان است درحالی‌که در بعد دانش دینی یعنی آشنایی با قرآن، احکام و تاریخ اسلامی دینداری نسل جوان بیشتر از بزرگ‌ترهاست. بر این اساس بین نسل جوان و بزرگ‌ترها در میزان دینداری کلی، تفاوتی دیده می‌شود که حکایت از فاصله‌ای جزئی میان دو نسل دارد.

بهار و رحمانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید بر بعد مناسکی) انجام شده، نشان می‌دهند که میان نسل‌های ۵۰ و ۷۰ از نظر جنبه‌های مختلف نگرش نسبت به مناسک دینی (شناختی، احساسی و عملی) شکاف رخ داده است و نسل دهه ۷۰ با آن که هنوز از نظر احساسی با مناسک دینی همراهی مناسبی نشان می‌دهد، اما از نظر معرفت‌شناختی و بخصوص از نظر عملی با مناسک دینی نه‌تنها همراهی مناسبی نشان نمی‌دهد بلکه حتی در بعد اجتماعی مناسک دینی به مخالفت با آن نیز برخاسته است و گزاره‌هایی را مطرح می‌سازد که دال بر عدم همراهی آن‌ها با مناسک اجتماعی دینی است.

یافته‌های پژوهش میرزا پوری با عنوان تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر دینداری فرزندان که به روش پیمایش بر روی نمونه ۳۳۹ نفری از دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شیراز انجام شده، نشان داد که نوع دینداری فرزندان در پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف والدین، متمایز است؛ به این معنا که در هر سطح از پایگاه اقتصادی - اجتماعی، بُعد خاصی از دینداری حاکم است؛ با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین، میزان دینداری فرزندان نیز کاهش می‌یابد (میرزا پوری، ۱۳۹۴).

نظریه یادگیری اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی را تبیین می‌کند. بر اساس این نظریه، رشد جنسیتی تحت تأثیر عوامل اجتماعی است. اجتماعی شدن دختران به آن‌ها

می‌آموزد که دلسوز، مطیع، عاطفی، منفعل و سلطه‌پذیر باشند. چون مذهب مشوق این خصوصیات است، زنان بیشتر از مردان مذهب را جذاب می‌یابند (خسروی، ۱۳۸۲). به نقل از قجری و داوطلب، (۱۳۹۳). همچنین بر اساس نظریه نقش، نقش‌های جنسیتی زنان از قبیل؛ فرزند آوری و فرزند پروری، موقعیت نسبتاً متزلزل و وابسته زنان به پدر، مهر و عطوفت زنانه و وابستگی آن‌ها به نظام خانواده می‌تواند عاملی مؤثر در بالا بردن دینداری آن‌ها نسبت به مردان باشد (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۳).

مارکس به‌طور مستقیم به تفاوت نسل‌ها اشاره نکرده است، اما با مبنا قرار دادن واقعیات مادی در تحلیل تغییرات اجتماعی، دین و اعتقادات مذهبی را محصول جامعه‌ای طبقاتی می‌داند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۴۱). به اعتقاد مارکس شیوه‌های تولیدی موجب تغییر در اعتقادات مذهبی در جامعه شده است. افراد با بهره‌گیری از شکل و شیوه خاص در عرصه تولیدی، به نوع خاصی از دینداری مبادرت می‌ورزند؛ به‌طوری‌که صاحبان یک نوع شغل خاص تولیدی، نوع خاصی از کنش ورزی دینی را برمی‌گزینند. ماکس وبر به بررسی رابطه میان دین و پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد پرداخته است. او به پیوندهای میان انواع گوناگون دین و گروه‌های خاص اجتماعی و تأثیر انواع دیدگاه‌های مذهبی بر دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی به‌خصوص رفتار اقتصادی توجه کرده است (وبر، ۱۳۸۵). از نظریه وبر می‌توان نتیجه گرفت که دینداری در بین طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت است.

رونالد اینگلهارت نیز در نظریه‌ای با عنوان دگرگونی ارزش‌ها، به بحث شکاف نسلی توجه کرده است. به اعتقاد وی اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵).

چارچوب نظری

در پژوهش حاضر تلفیقی از نظریه‌های مختلف به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب گردیده است. نظریه‌های یادگیری اجتماعی و نقش اجتماعی تفاوت جنسیتی را تبیین می‌کنند. بر اساس این نظریه‌ها زنان از مردان مذهبی‌ترند. از نظریه مارکس و وبر برای تبیین تفاوت میزان دینداری در بین طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی بهره گرفته شده است. بر مبنای نظریه‌های وبر و مارکس میزان دینداری افراد تابعی از طبقه اقتصادی و اجتماعی آنها است و از نظریه دگرگونی ارزش‌های اینگلهارت نیز برای تبیین تفاوت‌های ارزشی و دینداری دو نسل استفاده شده است.

فرضیه‌های پژوهش

الف) فرضیه اصلی:

- ۱- بین سطح پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و میزان دینداری جوانان، رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۲- بین میزان دینداری جوانان و والدین آنان، تفاوت معناداری وجود دارد؛
- ۳- بین سطح تحصیلات جوانان و میزان دینداری آنان، رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۴- بین میزان دینداری دختران و پسران جوان، تفاوت معناداری وجود دارد؛

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع پیمایشی^۱ است. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه خودساخته و سنجش دینداری کلاک و استارک بهره گرفته شد. با توجه به این که در پژوهش‌های

1. survey

قبلی بیشترین تفاوت میزان دینداری در بین دو نسل، در دو بعد اعتقادی و مناسکی بوده و همچنین برگر نیز در تعریف از دین، این دو بعد را برجسته نموده است (برگر، ۱۳۸۳). به همین دلیل در پژوهش حاضر این دو بعد برای سنجش میزان دینداری انتخاب گردید.

برای تعیین اعتبار محتوایی و صوری، پرسشنامه تدوین شده در اختیار پنج تن از استادان و صاحب نظران این حوزه قرار گرفت و پس از دریافت نظرات و پیشنهادهای آنها، اصلاحات لازم در پرسشنامه اعمال گردید و همچنین برای تعیین میزان پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بعد اعتقادی دینداری ۰/۹۰ و برای بعد مناسکی ۰/۸۲ به دست آمد.

جامعه آماری و روش نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر، جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله و والدین آنها در شهر سنجند است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری تصادفی است. مفهوم دینداری، هسته مرکزی تحقیق حاضر می‌باشد و از میان عوامل محتمل تأثیرگذار بر میزان دینداری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، تحصیلات فرد و وضعیت دینداری والدین و تأثیر آنها بر دینداری فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهشگران با مراجعه به نمونه‌های انتخابی، ضمن جلب اعتماد آنها و ارائه توضیحات لازم، پرسشنامه‌ها را در اختیار آنها قرار دادند. پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، داده‌ها پردازش و اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون‌های t ، لون و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین برای توصیف جامعه مورد مطالعه، از آمارهای توصیفی مثل میانگین و... استفاده شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

مفهوم دینداری:

تعریف دینداری یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در بین صاحب‌نظران است. دو رویکرد اصلی را می‌توان در ادبیات مربوط به تعریف دین متمایز نمود: رویکرد کارکردگرا و رویکرد جوهری. تعاریف کارکردگرایی دین، عمدتاً دین را به‌عنوان پدیده‌ای در نظر می‌گیرند که عهده‌دار کارکردهای اجتماعی و یا روانی خاصی مثل انسجام اجتماعی (دورکیم، ۱۹۶۴)، نظام معنایی فراگیر (لوک من، ۱۹۶۴) یا معنای نمایی (اینگر، ۱۹۶۷) است و با این کارکردها شناسایی می‌شوند. تعاریف جوهری از دین، به همان ترتیبی که مردم عادی آن را می‌فهمند به آن نگاه می‌کنند. در نتیجه مطابق این تعاریف، اصولاً دین عبارت است از: باورها و عباداتی که ناظر به موجودات مقدس متعالی و الگوهای اجتماعی ارتباط با آنها است (Robertson, 1385).

از میان همه تعاریف عملیاتی که از مفهوم دینداری ارائه شده، تعریف موردنظر گلاک و استارک بیش از همه موردتوجه و قبول پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. آن‌ها دینداری را مفهومی تصور کرده‌اند که شامل پنج بعد؛ اعتقادی، مناسکی، تجربی، دانش دینی و پیامدی است (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۶۳).

بعد اعتقادی باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی؛ اعمال مشخص دین مثل عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص و ... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین به‌جا آورند، در برمی‌گیرد. بعد تجربی یا عواطف دینی، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجود مقدس را شامل می‌شود. بعد دانش دینی اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آن‌ها بدانند، را شامل می‌شود. بعد پیامدی یا آثار دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است.

تحقیقات بسیاری که برای سنجش این پنج بعد انجام شده، نشان از همبستگی نسبتاً بالا بین آن‌ها دارد. پژوهشگران از میان پنج بعد پیشنهاد شده توسط گلاک و استارک، دو بعد اعتقادی و مناسکی را بکار گرفته‌اند. در کشور ما نیز بسیاری از محققان آن را با دین اسلام انطباق داده و ارزیابی کرده‌اند (طالبان، ۱۳۷۸؛ سراج زاده، ۱۳۸۴). برای انطباق ابعاد دینداری گلاک و استارک با دین اسلام می‌توان گفت که مجموعه‌ای از باورها که اصول دین خوانده می‌شوند را می‌توان با باورهای دینی تطبیق داد که عبارتند از: اعتقاد به خدا، نبوت حضرت محمد (ص) به‌عنوان آخرین پیامبر و معجزه‌اش قرآن و نیز اعتقاد به معاد و روز جزا، اعتقاد به رعایت بعضی از اعمال دینی مثل نمازهای روزانه، روزه‌داری در ماه رمضان، جهاد علیه دشمنان فعال اسلام، انجام حج واجب، ادای خمس و ذکات و امر به معروف و نهی از منکر را هم می‌توان بخشی از باورهای اسلامی دانست. هر مسلمانی باید موضع مشخصی در قبال باورهای یادشده داشته باشد. در نتیجه می‌توان این باورها را برای ساختن بعد اعتقادی دینداری مسلمانان به کار برد.

در ارتباط با اعمال دینی (مناسک)، ادای نمازهای روزانه و روزه گرفتن در ماه رمضان، اعمال واجب برای هر مسلمان بالغ هستند. خواندن قرآن، شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، شرکت در مراسم جشن و عزا در مساجد و یا سایر اماکن دینی هم توصیه می‌شود. این فعالیت‌ها می‌توانند برای بعد مناسکی اسلام مورد استفاده قرار گیرند.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی (متغیر مستقل)

تعریف نظری و عملیاتی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله؛ شغل، میزان درآمد، منبع درآمد، نوع مسکن، ناحیه محل سکونت و تحصیلات تعیین می‌گردد. البته مفهوم و اهمیت این عوامل در جوامع مختلف، متفاوت است (محسنی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). در این پژوهش، میزان تحصیلات فرد، پدر و مادر، منزلت شغلی سرپرست خانوار، میزان درآمد و نوع مسکن خانوار ملاک تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد قرار گرفت.

یافته‌ها

۶۸/۸ درصد از افراد مورد مطالعه در مسکن شخصی، ۲۸/۲ درصد در استیجاری و مابقی (۳ درصد) در منزل سازمانی سکونت داشتند. بیشترین درصد سطح تحصیلات جامعه مورد مطالعه را مدرک کاردانی و کارشناسی با ۵۱ درصد به خود اختصاص داده است. مدرک دیپلم با ۳۳/۵ درصد و فوق‌لیسانس با ۹/۸ درصد به ترتیب، در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

۵۴ درصد از افراد مورد مطالعه را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بیشترین افراد مطالعه شده را گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۴۰ درصد به خود اختصاص داده‌اند. گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال با ۳۳/۵ درصد و گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال نیز با ۲۶ درصد به ترتیب، در رده‌های دوم و سوم قرار دارند.

در خصوص سطح تحصیلات پدر؛ بیشترین درصد با ۳۴/۲ درصد مربوط به تحصیلات ابتدایی است و مدرک کارشناسی با ۳۳/۵ درصد و دیپلم با ۱۶/۸ درصد رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ... ۱۵۵

در خصوص شغل پدر؛ ۵۳/۲ درصد دارای مشاغل فکری بدون مدرک تخصصی، ۳۸/۲ درصد دارای مشاغل یدی، و ۸/۵ درصد جزء دسته مشاغل فکری با مدرک تخصصی قرار دارند.

بیشترین میزان سطح تحصیلات مادر با ۴۸/۲ درصد، مربوط به تحصیلات ابتدایی است و مدرک‌های سیکل با ۳۸ درصد و دیپلم با ۸/۲ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در رابطه با شغل مادر پاسخگویان، ۹۱/۲ درصد خانه‌دار می‌باشند که در دسته مشاغل یدی قرار می‌گیرند و ۸/۸ درصد باقیمانده دارای مشاغل فکری بدون مدرک تخصصی بودند.

در خصوص میزان درآمد سرپرست افراد مورد مطالعه، ۷۶/۵ درصد زیر ۶۰۰ هزار تومان، ۲۳ درصد بین ۶۰۱ تا ۹۰۰ هزار تومان و مابقی بیش از ۹۰۰ هزار تومان درآمد داشتند.

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه برحسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی

پایگاه اقتصادی- اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۲۴۳	۶۴/۲
متوسط	۸۳	۲۰/۸
بالا	۷۴	۱۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که از کل جوانان بررسی‌شده، ۶۴/۲ درصد از سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردار بوده‌اند، درحالی‌که تنها ۱۵ درصد در حد بالایی قرار گرفته‌اند. همچنین ۲۰/۸ درصد نیز از نظر سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی در طبقه متوسط جای می‌گیرند.

بعد اعتقادی جوانان و والدین

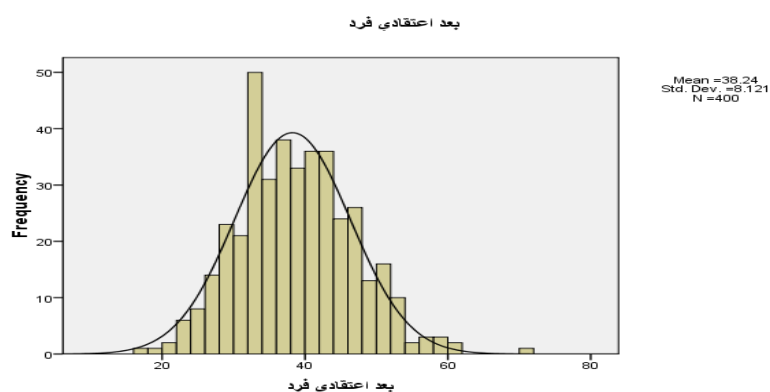
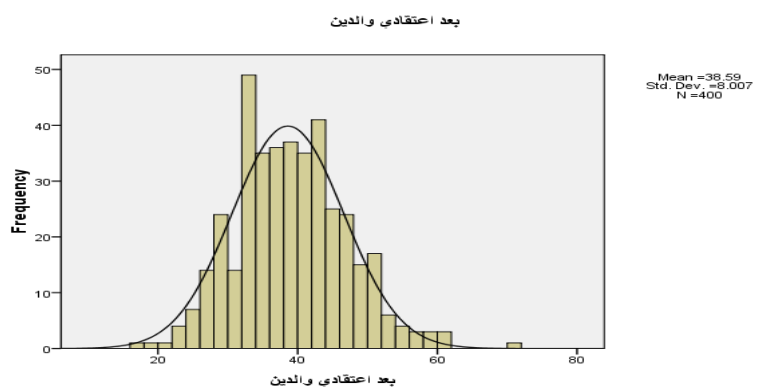
بعد اعتقادی دینداری با ۱۶ گویه سنجیده شده است که آلفای کرونباخ آن ۹۰ درصد را نشان داد. همچنین تحلیل عامل انجام شده با استفاده از نرم افزار SPSS نشان داد که این ۱۶ گویه بر روی یک عامل قرار می گیرد.

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه برحسب بعد اعتقادی دین

مخالقم		تا حدودی		موافقم		بعد اعتقادی
والدین	جوانان	والدین	جوانان	والدین	جوانان	
۱/۷	۱/۶	۱۰	۹/۴	۸۸/۳	۸۹	علاقه دارم به سفر حج بروم.
۱/۷	۱/۷	۱۵	۱۵/۳	۸۳/۳	۸۳	قرآن کلام خداست و هرچه می گوید حقیقت محض است.
۳	۲/۲	۲۳/۵	۱۴/۲	۷۳/۵	۸۳/۶	به معاد و روز قیامت اعتقاد دارم.
۴	۴/۳	۳۳	۳۲/۳	۶۳	۶۳/۴	انسان فقط با استفاده از دستورات پیامبران می تواند به سعادت کامل برسد.
۳/۳	۱/۸	۱۶	۱۶/۵	۸۰/۷	۸۱/۷	نماز موجب پرورش ایمان می شود.
۴/۸	۴/۹	۲۹/۵	۲۹/۴	۶۵/۷	۶۶/۷	خواندن قرآن در زندگی ام مؤثر و از آن در زندگی ام الگو می گیرم.
۴/۴	۳/۵	۱۹/۳	۱۹/۸	۷۶/۳	۷۶/۷	مرگ پایان زندگی نیست بلکه مرحله ای دیگر از زندگی جاوید است.
۱۳/۲	۱۲/۸	۴۷/۸	۴۸	۳۹	۳۹/۲	در صورت وجود شرایط امریه معروف و نهی از منکر می کنم.
۲۳	۲۲/۷	۴۶/۷	۴۶/۵	۳۰/۳	۳۰/۸	زندگی بدون ارتباط با خدا بی معناست.
۳/۵	۲/۷	۲۸/۷	۲۸/۵	۶۷/۸	۶۸/۸	اگر عذر شرعی نداشته باشم، در ماه رمضان روزه می گیرم.
۳/۲	۳/۵	۲۲/۶	۲۲/۵	۷۴/۲	۷۴	اگر حکم جهاد صادر شود، در آن شرکت می کنم.
۳/۳	۳/۳	۲۰	۱۹/۷	۷۶/۷	۷۷	خود را مقید به پرداخت خمس می دانم.
۱۳/۳	۱۳/۳	۵۱/۲	۵۰/۴	۳۵/۵	۳۶/۳	ادای نماز مرا از انجام عمل زشت و گناه باز داشته است.
۲۱/۵	۲۲/۳	۵۰	۴۹/۹	۲۸/۵	۲۷/۸	هنگام نماز احساس می کنم با یک دوست بسیار صمیمی صحبت می کنم.
۱۰/۴	۹/۳	۵۰/۶	۵۱	۳۹	۳۹/۷	در قرآن و احادیث اسلامی اصول کلی همه آنچه برای سعادت بشر لازم است، آمده است.
۵/۵	۴/۲	۲۷/۵	۲۸/۳	۶۷	۶۷/۵	من به بهشت و جهنم اعتقاد دارم.

۱۵۷ بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ...

مقایسه بعد اعتقادی جوانان و والدین آنان بیان‌کننده این است که این دو گروه تفاوت چندانی در میزان دینداری با یکدیگر ندارند و هر دو گروه از نظر اعتقاد دینی در یک حد نسبتاً بالایی هستند. مقایسه دو نمودار زیر مبین شباهت این دو گروه می‌باشد. در هر دو گروه نما بر روی گزینه موافقم می‌باشد و هر دو یک‌جهت خاص را نشان می‌دهد. مقایسه میانگین‌ها هم تفاوت اندکی را نشان می‌دهد. درحالی‌که میانگین جوانان عدد ۳۸/۲۴ است، میانگین والدین آنان عدد ۳۸/۵۹ را نشان می‌دهد. البته همان‌طوری که از مقایسه میانگین دو گروه پیداست، میانگین دینداری در والدین به مقدار ۰/۳۵ بیشتر از میزان دینداری جوانان است.



نمودار ۱ و ۲- بعد اعتقادی جوانان و والدین ایشان

اعمال دینی (مناسک)

بعد اعمال و مناسک با ده گویه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، سنجیده شده است. آلفا کرونباخ این دسته از گویه ها ۸۲ درصد است که نشان‌دهنده پایایی بالای این گویه‌های این بعد است و همچنین تحلیل عامل صورت گرفته نیز حاکی از این است که همه گویه ها بر روی یک بعد قرار گرفته‌اند.

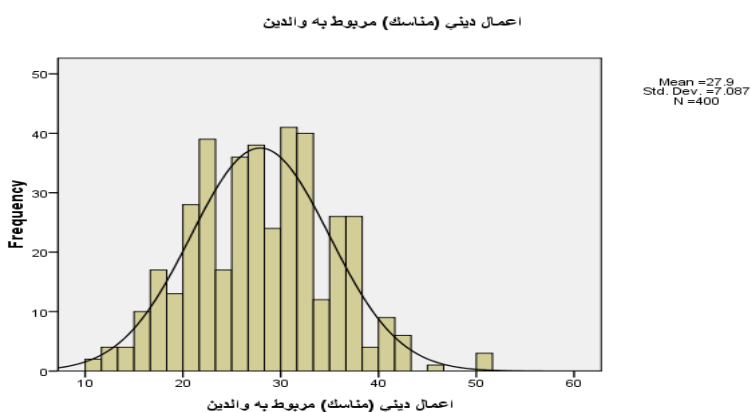
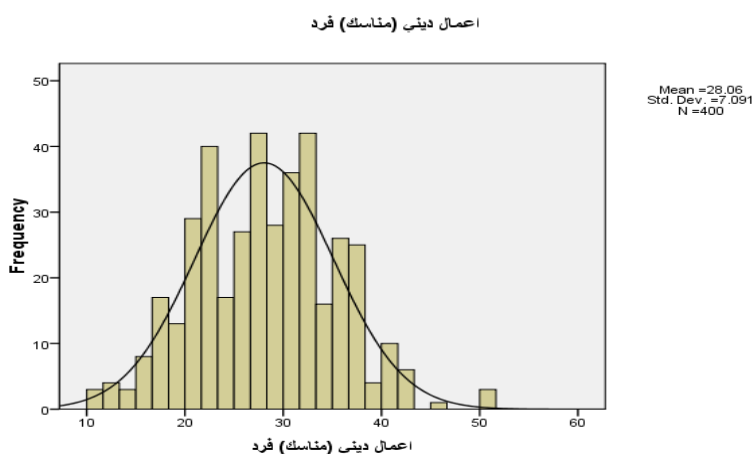
جدول ۳- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه برحسب بعد مناسک دین

کم		تا حدودی		زیاد		بعد مناسک
		والدین	جوانان	والدین	جوانان	
۱۳/۸	۱۲/۲	۹/۸	۱۰	۷۶/۴	۷۷/۸	شرکت در مراسم روضه و عزاداری پیامبر و ائمه
۱۴	۱۷/۸	۱۵/۲	۱۵/۵	۷۰/۷	۷۱/۲	زیارت اماکن متبرکه
۱۰/۲	۹/۵	۱۰/۵	۱۰/۵	۷۹/۳	۸۰	شرکت در هیأت های مذهبی
۲۲	۲۳/۲	۱۵	۱۵/۲	۶۳	۶۱/۷	شرکت در اعیاد مذهبی در مساجد و تکیه‌ها
۲۲/۲	۲۲/۷	۱۵/۲	۱۳/۳	۶۲/۶	۶۴	خواندن نماز
۴۱/۸	۴۳/۳	۳۰	۳۰/۵	۲۸/۲	۲۶/۳	شرکت در نماز جمعه
۵۲/۸	۵۳/۴	۲۴/۲	۲۴/۸	۲۳	۲۱/۸	خواندن قرآن و تفسیر
۴۹/	۴۹/۵	۲۲/۵	۲۲/۸	۲۸/۲	۲۷/۷	نماز جماعت
۵۰	۵۱/۳	۲۰	۲۰/۵	۳۰	۲۸/۲	مطالعه کتاب‌های دینی
۵۲/۷	۵۴/۴	۲۱/۵	۲۱/۸	۲۵/۸	۲۳/۸	من هرروز با خداوند راز و نیاز می‌کنم.

مقایسه گویه های مربوط به اعمال دینی و مناسک دو گروه جوانان و والدین آنان در جدول ۳ نشان‌دهنده این نکته است که تفاوت چندانی بین اعمال دینی جوانان و والدین آنان وجود ندارد. مقایسه دو نمودار زیر مبین شباهت این دو گروه می‌باشد. در هر دو گروه نما بر روی گزینه‌های کم و تا حدودی می‌باشد، (دو نمایی). مقایسه

۱۵۹ بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ...

میانگین‌ها هم تفاوت اندکی را نشان می‌دهند. درحالی‌که میانگین جوانان عدد ۲۸/۰۶ است، میانگین والدین آنان عدد ۲۷/۹ را نشان می‌دهد. البته همان‌طور که از مقایسه میانگین دو گروه پیداست، میانگین نمره اعمال دینی در جوانان به مقدار ۰/۱۶ بیشتر از والدین است که نشان‌دهنده تغییری بسیار ناچیز در اعمال دینی جوانان نسبت به والدین خود است. بنابراین از جداول می‌توان دریافت که خانواده‌ها در شهر سنندج در حفظ ارزش‌های دینی و انتقال آن به فرزندان خود موفق بوده‌اند.



نمودار ۳ و ۴- بعد اعمال دینی (مناسک) والدین و فرزندان‌شان

جدول تحلیلی

برای آزمون رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، دینداری والدین، تحصیلات و سن جوانان با میزان دینداری آنان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. علت استفاده از این آزمون به سطح سنجش متغیرها برمی‌گردد، چون سطح سنجش این متغیرها و همچنین متغیر وابسته فاصله‌ای است، پس مناسب‌ترین آزمون ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد.

جدول ۴- آزمون روابط بین متغیرهای مستقل با میزان دینداری جوانان

گزینه‌ها	پیرسون	سطح معناداری. Sig
پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده	۰/۰۹۹	۰/۰۴۹
میزان دینداری والدین	۰/۹۹۲	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۳۰	۰/۵۵۲

با توجه به داده‌های جدول ۴، بین متغیرهای؛ پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، میزان دینداری والدین با میزان دینداری جوانان رابطه معناداری وجود دارد چراکه سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون این متغیرها با متغیر وابسته کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین دو فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون به‌دست‌آمده از این روابط حاکی از این است که همبستگی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با میزان دینداری جوانان بسیار ضعیف است اما این همبستگی بین میزان دینداری والدین و دینداری جوانان بسیار قوی است. بین تحصیلات جوانان و میزان دینداری آنان رابطه معناداری به دست نیامد در نتیجه فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت. زیرا سطح معناداری به‌دست‌آمده بیشتر از ۰/۰۵ است (sig=۰/۵۵۲)، همچنین ضریب همبستگی پیرسون به‌دست‌آمده از این رابطه بسیار

بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ... ۱۶۱

ضعیف و منفی می‌باشد بدین معنا که مقدار همبستگی ناچیزی نیز که بین تحصیلات و میزان دینداری می‌باشد از نوع معکوس می‌باشد.

جدول ۵- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین‌های میزان دینداری در بین دو جنس زن و مرد

مستقل آزمون T			آزمون لون		گروه‌ها	
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	T	معناداری		F
۶/۳۶۶	۰/۰۰۰	۳۹۸	۴/۹۸۲	۰/۰۲۶	۵/۰۲۵	واریانس برابر
۶/۳۶۶	۰/۰۰۰	۳۹۷/۸۸۱	۵/۰۶۲	-	-	واریانس نابرابر

با توجه به این که آزمون لون (Levene's Test) برابر با ۵/۰۲۵ است و سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است (sig=۰/۰۲۶)، میزان آزمون t و معناداری آن بر اساس واریانس نابرابر (Equal variances not assumed) محاسبه شده است. بنابراین از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۱ درصد (sig= ۰/۰۰۰) است و با در نظر گرفتن مقدار $T= ۵/۰۶۲$ می‌توان نتیجه گرفت که بین مردان و زنان از نظر میزان دینداری تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق در رابطه با وضعیت دینداری جوانان حاکی از آن است که، میزان دینداری جوانان از نظر بعد اعتقادی در حد نسبتاً بالا و از نظر بعد انجام اعمال و مناسک دینی نیز در حد متوسط قرار دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش طالبان (۱۳۷۸) و میرسندسی (۱۳۸۳) که بر اساس آن، میزان دینداری جوانان در ابعاد اعتقادی بالا و

پایبندی آن‌ها به اعمال فردی دینی در حد متوسط به بالا است، هم‌خوانی دارد. برخلاف پیش‌داوری و قضاوت‌های موجود، تعلق مذهبی جوانان بحرانی و اسفناک نیست. همچنین نتایج حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین دو گروه جوانان و والدین آنان از نظر میزان دینداری و ابعاد آن وجود ندارد. از یک‌سو شاید بتوان بیان کرد که خانواده‌ها در شهر سنج در حفظ هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های دینی و انتقال آن به فرزندان خود موفق بوده‌اند و از سوی دیگر با توجه به در نظر گرفتن نظریه‌های مرتبط با شکاف نسلی از جمله نظریه اینگلهارت، هنوز تغییرات فرهنگی سریعی در جامعه مورد مطالعه صورت نگرفته و یا این که شکوفایی اقتصادی مهمی و یا توسعه اجتماعی گسترده‌ای صورت نگرفته است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش ربانی و صفایی‌نژاد (۱۳۸۴) که بر اساس آن در بعد اعتقادی دینداری بین نسل جوان و بزرگ‌ترها در شالوده‌های اساسی دین (نظیر توحید، نبوت و نیز معاد) و بعد عاطفی دینداری (احساس نزدیکی به خدا) تفاوتی به چشم نمی‌خورد و همچنین یافته‌های پژوهش گیسون (۱۹۹۰) وان نینگ باو و دیگران (۱۹۹۹) که نشان داد والدین نقش چشمگیری در انتقال عقاید و اعمال مذهبی به فرزندان ایفا می‌کنند، همسو است اما در بعد مناسکی که بر مبنای آن، میزان دینداری بزرگ‌ترها بیشتر از نسل جوان است، هم‌خوانی ندارد. همچنین یافته‌های این بخش از پژوهش، با نتایج مطالعات آبروزس (۱۹۹۵)، تام اسمیت (۲۰۰۴)، معیدفر (۱۳۸۳)، آزاد ارمکی و دیگران (۱۳۸۷)، بهار و رحمانی (۱۳۹۱)، هم‌خوانی ندارد. بر اساس این مطالعات، جهان‌بینی بیشتر ادیان روزبه‌روز از ادراکات و اولویت‌های نسل جوان‌تر خارج می‌شود و هرچقدر از بزرگسالان به جوان‌ترها نزدیک می‌شویم، اهمیت خدا در زندگی بیشتر کاهش می‌یابد. جوانان در مقایسه با نسل پیشین، به ارزش‌های سکولار تمایل داشته و در حوزه مسائل عقیدتی و اخلاقیات، فردگرا هستند. همچنین گروه‌های سنی جوان‌تر نسبت به مسن‌ترها به لحاظ عملی کمتر مقید به انجام مناسک مذهبی خود هستند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و میزان دینداری جوانان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با نظریه‌های مارکس و وبر و همچنین نتایج مطالعات هالامی و آرگیل (۱۹۹۷) و میرزا پوری (۱۳۹۴) که بر اساس آن میزان دینداری در بین طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت است، همسو می‌باشد. نکته قابل‌تأمل این است که میزان ضریب همبستگی به‌دست‌آمده از رابطه بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده و میزان دینداری جوانان ضعیف است که البته پایین بودن این همبستگی شاید با توجه به عدم وجود اختلاف و شکاف زیاد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان و هم‌سطحی تقریبی این متغیر بین پاسخگویان (بیشتر پاسخگویان از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در حد متوسط رو به پایین و یا پایین هستند) قابل توجیه باشد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر مبین این است که بین مردان و زنان از نظر میزان دینداری تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نظریه‌های یادگیری و نقش اجتماعی و همچنین نتایج تحقیقات بران (۲۰۰۴) و گنجی (۱۳۸۴) همسو است. بر اساس این نظریه‌ها و پژوهش‌ها، زنان تقید مذهبی قوی‌تری دارند. در تبیین قوی‌تر بودن تقید مذهبی زنان نسبت به مردان، می‌توان به عوامل مختلفی از جمله: تأثیر عوامل و انتظارات اجتماعی و تأثیرپذیری بیشتر دختران از خانواده و نفوذ بیشتر این نهاد بر آنان نسبت به پسران اشاره نمود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین سطح تحصیلات و میزان دینداری جوانان رابطه معناداری به دست نیامد. همبستگی ناچیزی هم که بین تحصیلات و میزان دینداری به دست آمد، از نوع معکوس می‌باشد. این یافته با نتایج تحقیق گنجی (۱۳۸۳) همخوانی ندارد. شاید یکی از این دلایل این باشد که محل تحصیل تعداد زیادی از پاسخگویان، همان شهر محل زندگی‌شان بوده است و یا این که پس از فارغ‌التحصیلی به شهر خود بازگشته‌اند و به‌نوعی با محیط قبلی در تماس بوده‌اند.

با توجه به نقش تأثیرگذار رسانه‌های ارتباط جمعی و شبکه‌های مجازی در نگرش افراد به خصوص نسل جوان، ارتقای محتوای برنامه‌های رسانه‌های داخلی در راستای ترویج ارزش‌های دینی و سنتی، تقویت روابط خانوادگی و همچنین با آگاهی بخشی در مورد استفاده صحیح از فضای مجازی و تبیین پیامدهای منفی آن می‌توان در راستای تقویت ارزش‌های مذهبی نسل جوان و کاهش شکاف یا فاصله نسلی گام‌های مؤثری برداشت.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ زارع، مریم. (۱۳۸۷)، دانشگاه، مدرنیته و دینداری، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی.
- آرون، ریمون. (۱۳۸۶)، *مراحل اساسی اندیشه جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۶)، *بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده*، سال اول شماره ۱.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- برگر، پیتر. (۱۳۸۳)، *برخلاف جریان در چالش‌های دین و مدرنیته*: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، سید حسن سراج زاده، تهران: انتشارات طرح نو.
- بهار، مهربی؛ رحمانی، سحر. (۱۳۹۱)، بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری در نسل دهه ۵۰ و ۷۰، *فصلنامه جامعه‌شناختی مطالعات جوانان*، سال سوم، شماره ۶.

بررسی عوامل مؤثر بر میزان دینداری جوانان ... ۱۶۵

- تأمین، ملوین. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا.
- خسروی، زهره. (۱۳۸۲)، *مبانی روانشناسی جنسیت*، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی دانشگاه الزهرا.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهش در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.
- سراج‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۳)، نیمه پنهان، گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی، *پژوهش علوم انسانی، دانشگاه تهران*، شماره ۴۲ و ۴۱.
- سراج‌زاده، حسن. (۱۳۸۴)، *چالش‌های دین و مدرنیته*، تهران: انتشارات طرح‌نو.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۸)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، طرح پژوهشی*، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
- قصابی، رضوان؛ طاهری، صادق. (۱۳۹۰)، *فرا تحلیل سنجه‌های دینداری در ایران*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی - دفتر پژوهش‌های کاربردی.
- قجری، حسینعلی؛ داوطلب بروجنی، مریم. (۱۳۹۳)، تبیین جامعه‌شناختی میزان انواع دینداری مردم شهر بروجن، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر*، سال هفتم شماره ۲۵.
- کاظمی، اصغر (۱۳۸۸) *بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم با تأکید بر میزان دینداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳)، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اصفهان.

- معید فر، سعید. (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴.
- میرسندهی، سید محمد. (۱۳۸۳)، مطالعه میزان و انواع دینداری دانشجویان، *پایان نامه دکتری*، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- میرزاپوری، جابر. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی والدین بر دینداری فرزندان، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ششم شماره ۲۲.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۵)، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه: رشیدیان و منوچهری کاشانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.
- Abbruzzese, Salvatore, (1995). *Religion and The Post-war Generation in The Post-war Generation in Italy*, Chapt in T he Post-war Generation and Establishweup Religion, West View Press, 207 – 223.
- Hallahmi, B. & Argyle, M. (1997). *The Psychology of Religious Behaviour*, Belief and Experience. London: Routledge
- Bran, Pablo. (2004). “*Analyzing Religiosity within an Economic Framework: The Case of Spanish Catholics*”, Review of Economics of the Household. No. 2, 5–22.
- Glock & Stark. (1966). *Dimention of religion commitment*, The measured of religiosity, chapter 8.
- Smith, Tom W., (2004). *The Generation Gap Revisited, Network on Transitions to Adulthood and Policy Brief*, issue 6, Depatment of Sociology. Philadelphia.
- Smith, C., (2005). *Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers*. New York: Oxford University Press.